

madsage  
IRan Education  
Research  
NETwork  
(IRERNET)

شبکه آموزشی - پژوهشی مادسیج  
با هدف بهبود پیشرفت علمی  
و دسترسی راحت به اطلاعات  
برای جامعه بزرگ علمی ایران  
ایجاد شده است



مادسیج

شبکه آموزشی - پژوهشی ایران

madsage.com  
مادسیج

بسم الله الرحمن الرحيم

## حزوه اخلاق استاد محمدی

گرد آوری و تنظیم: حوزة دانشجویی الزهرا(س)

نیمسال دوم ۹۱-۹۲

## فصل اول

### اهمیت و ضرورت اخلاق

اخلاق برای رسیدن انسان به مقصد و سعادت‌مند شدن او ضروری است ( در همه جوانب زندگی) همانگونه

که بدن به غذا نیاز دارد روح هم به غذا نیاز دارد که هر دو از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند.

بعضی نیازهای جسمانی انسان لازم است هر لحظه تامین شود؛ مثل نیاز به هوا طی تنفس ولی بعضی نیازها مثل آب و غذا هر لحظه نیست و شاید در طول روز چند بار نیازمند به آب یا خوراک شویم.

روح هم همانند بدن هم نیازهای حیاتی دارد و هم نیازهای غیرحیاتی، به عنوان مثال؛ دانستن مفهوم حق و باطل، همین که انسان بداند این حق و این باطل است کافی است و نیاز نیست هر ثانیه به این نیاز پاسخ داده شود ولی بعضی نیازها برای روح حیاتی هستند و نیازمند این هستند که هر ثانیه به آن‌ها پاسخ داده شود؛ مانند توجه به خدا و اخلاق

حضرت علی علیه السلام گاهی به یارانشان می فرمودند: بلند قرآن بخوان تا صدای آن را بشنوم؛ زیرا این قدر که شنیدن در روح انسان اثر گذار است، نگاه کردن اثرش کم تراست.

انسان با تعلیم و فرا گرفتن علم از نظر معنویت رشد می کند هرچه انسان آگاه تر شود به اخلاق بیشتر نیاز دارد. کارگری که بد اخلاق شد و از کار دزدید به پول صاحب کار لطمه می زند ولی عالمی که بد اخلاق شد دنیایی را به فساد می کشاند. إذا فسدت العالم فسدت العالم

**علی (ع) زله العالم تفسد عوالم لغزش عالم تمامی عوالم (جن . انس) را نابود می کند . لغزش یک عالم،**

فقط عالم انسانیت را ویران نمی کند، بلکه همه عوامل را تحت تاثیر قرار می دهد، حتی عالم جن، عالم حیوانیت و عوالم دیگر هستی را تغییر می دهد.

هر چه انسان مقام بالاتری را از نظر تقوا و انسانیت پیدا کند اخلاق او بیشتر می شود.

اگر انسان عالم به اخلاق اهمیت ندهد و اخلاق او درست نشود؛ برای خودش در درجه اول و برای دیگران در درجه دوم خطرناک است.

عالم بد اخلاق مانند دزد با چراغ است، چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا. افراد بد اخلاق سربازهای شیطان هستند چه زن باشد و چه مرد، البته هر کس با توجه به ظرفیت وجودی که دارد، به شیطان خدمت می کند که زنان ظرفیت بیشتری دارند و شیطان از زنان استفاده بیشتری می کند.

انسان هر قدر قدرتمند تر و عالم تر و دانا تر باشد و قدرت سیاسی و اقتصادی بیشتری پیدا کند؛ شیطان بیشتر می تواند از او استفاده کند و شیطان نسبت به او کم تر سراغ افراد نادان و نا آگاه می رود، چرا که شیطان می داند که عالم اثرگذاری اش روی انسان های دیگر بیشتر است.

علی (ع) **إِيَّاكُمْ وَ الْجُهَّالَ مِنَ الْمُتَعَبِّدِينَ وَ الْفَجَّارَ مِنَ الْعُلَمَاءِ فَإِنَّهُمْ فِتْنَةٌ كُلُّ مَفْتُونٍ** بپرهیزید از متعبدین جاهل (مقدس ماب) و از دانشمندان بد کردار که آنا برای مردم مایه هر فتنه و گرفتاری اند

امام صادق علیه السلام می فرمایند: دو نفر پشت مرا شکستند : عالم بی اخلاق و پرده در و عابد جاهل آن به سبب بی پروایش مردم را از عملش باز می دارد وین به سبب جهلش مردم را از عبادت روی گردان می کند. از آنچه گفته شد نتیجه می گیریم ارسال رسل و کتاب های آسمانی و وحی و رسالت اصلی علما همه برای تصحیح اخلاق انسانهاست .

پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و سلم می فرمایند: من فقط و فقط برای تحکیم مکارم اخلاق و به مقصد رساندن مکتب اخلاق مبعوث شدم.

پیامبر (ص) : می فرمایند: خداوند سبحان فضائل اخلاقی را وسیله ارتباط میان خودش و بندگان قرار داده همین بس که هر یک از شما دس به اخلاقی بزند که او را به خدا مربوط سازد. به تعبیر دیگر خدا بزرگترین معلم اخلاق و مربی نفوس انسانی و منبع تمام فضائل است و قرب و نزدیکی به خدا جز از طریق توسل به اخلاق الهی امکان پذیر نیست بنابراین هر فضیلت اخلاقی رابطه ای میان انسان و خدا ایجاد می کند و او را گام به گام به ذات اقدس نزدیک می سازد .

ضرورت علم اخلاق:

۱- آرامش فردی و روانی ۲- آرامش اجتماعی ۳- رسیدن به کمال مطلوب الهی

امام موسی کاظم (ع): لازم ترین علم آن است که تو را به پاک سازی دل و تهذیب باطن رهبری کند و تباهی و فساد دل را بر تو آشکار سازد.

## نظریه ها و دیدگاههای علم اخلاق

### الف) قوه غضبیه

در انسان قوا و نیروهای متفاوتی وجود دارد که فلسفه وجودی این قوا تداوم بخشیدن به حیات و تداوم وجود انسان است؛ مثلاً اگر قوه غضبیه در انسان نبود انسان از خودش دفاع نمی کرد و زنده نمی ماند، اگر قوه درونی غضبیه در انسان نبود انسانی که سرخود را زیر آب کرده هرگز سرش را از آب بیرون نمی آورد کار اخلاق این است که این قوا را در حالت اعتدال نگه دارد.

نتیجه ی افراط در قوه غضبیه بی باکی و درنده خوئی است.

نتیجه تفریط در قوه غضبیه جرم و بزدلی است که این خود، بد اخلاقی است.

کار اخلاق حفظ کردن این قوه در خط تعادل است و **خط تعادل** اخلاق در این قوه شجاعت است.

### ب) قوه شهویه:

این قوه عهده دار جلب منافع برای انسان است که به آن نفس بهیمی گفته می شود و مبدأ امور شهوانی است و اشتیاق لذت بردن از خوردنی و آشامیدنی ها و امور جنسی را دارد.

اگر این قوه افراطی شود؛ شکم بارگی و شکم پرستی را به دنبال دارد که این خود، بد اخلاقی است و منجر به فاصله گرفتن از انسانیت می شود و اگر این قوه تفریطی شود؛ انقراض نسل بشر خواهد شد. میل جنسی انسان اگر از افراط بگذرد؛ فرد خوی حیوانی پیدا می کند و حتی از حیوان پست تر می شود؛ مثلاً هم جنس بازی که یک انحراف جنسی است فقط و فقط در انسان است.

اگر میل جنسی از تفریط بگذرد؛ خمودگی را به دنبال دارد و انسان به تکثر نسل ادامه نخواهد داد و نسل انسان ادامه نخواهد یافت. **خط تعادل این قوه عفت است.**

در نظام فکری غرب و نظام اخلاقی غرب که از بینش فروید نشأت گرفته است؛ رها کردن هرچه بیشتر این میل و حتی تحریک کردن و تشویق کردن هر چه بیشتر میل جنسی انسان را بیان می کنند.

میل جنسی انسان مثل میل به غذا یک میل طبیعی است ولی به شرط اینکه انسان این میل را کنترل کند زیرا میل به غذا از حالت طبیعی خیلی خارج نمی شود و نهایتاً این است که فرد سه برابر دیگران می خورد ولی بالاخره سیر می شود ولی میل جنسی اگر از حالت طبیعی خارج شود به افراط می رسد و یک نوع بیماری است؛ مانند

خسرو پرویز که در حرم سرای خود سه هزار زن را نگه می داشت ولی باز سیر نمی شد بدیهی است این افراد دیگر حلال و حرام برایشان مهم نیست و هرگز سیر نمیشوند خسرو پرویز حتی گاهی زنان خود را نمی شناخت و شاید گاهی بعضی ها را هر ده سال یکبار یادآوری می کرد.

کاراخلاق این است که این میل را با ازدواج در حد تعادل نگه می دارد و بی اخلاقی ها و بد اخلاقی ها را از بین می برد.

ج) **قوه عقلیه:** همان قوه تفکر و ادراک است که به آن نفس ملکی و فرشته ای نیز گویند فایده این قوه این است که انسان را به کارهای نیک فرمان داده و از کارهای بد دوری می کند

۲- همانگونه که پزشکی برای درمان بیماری های جسمانی است برای درمان بیماری های روحی انسان علم اخلاق وجود دارد در حقیقت علم اخلاق؛ علم درمان بیماری های روحی انسان است.

۳- علم اخلاق مراحل سیر و سلوک و چگونگی حرکت به قرب الی الله را نشان می دهد و علم حرکت در مسیر کمال نهایی انسان است.

۴- علم اخلاق در واقع، علم تقویت فضایل موجود در انسان و تضعیف رذائل در انسان است.

**اما این دیدگاهها هیچ کدام کامل نیست زیرا .....**

مثلا در دیدگاه چهارم فضایل و رذائل امر ثابتی نیست و مرتب نسبت به زمان تغییر می کند مثلا اخلاق در دنیای مجازی

یا مثلا کسی که نماز نمی خواند با دیدگاه اول مربوط به هیچ قوایی نیست ولی بد اخلاقی محسوب می شود آیا نباید آنرا بررسی کرد.

پس باید به دنبال یک دیدگاه کلی باشیم

حدیث قدسی: بنده من مرا اطاعت کن تا تو را مثل خودم قرار دهم تا همانطور که من می گویم باش پس می شود تو هم بگویی باش پس بشود. یعنی انسان با عبادت خالصانه خدایی شود و خواسته ای جز خدا نداشته باشد و تنها دستور خدا را اجرا کند در نتیجه چنین عبادتی به او ولایت تکوینی و اذن تصرف در طبیعت خواهد داد.

رسالت اصلی اخلاق آن است که انسان به جایی برسد که اشرف مخلوقات شود در آن حالت طی الارض برای ایشان امری عادی خواهد شد.

به پیامبر (ص) خبر دادند که یاران حضرت عیسی بسم الله می گفتند و روی آب راه می رفتند پیامبر فرمودند اگر یقین و خلوصشان بیشتر بود بسم الله می گفتند و می توانستند پرواز کنند.

پیامبر (ص) می فرمایند: قسم به آنکه جانم در دست اوست هیچ دانشجویی به خانه دانشمندی (معلمی) رفت و آمد نمی کند جز آنکه خداوند با هر گامی عبادت یکسال به حساب او می نویسد و نیز شهری در بهشت برای او بنا می کند و هنگامی که روی زمین زمین برای او آموزش می طلبد و وی صبح و شام آمرزیده می شود.

۱- عالم و علم یعنی چه؟

۲- آیا اینجا شرطی هم وجود دارد یا خیر؟

۳- چرا در اینگونه روایات علم با عبادت مقایسه می شود نه با کاسب یا مجاهد یا شهید

امام باقر(ع) می فرمایند: عالمی که مردم از علمش بهره برند از ۷۰۰۰۰ عابد بهتر است.

عبادت و عابد نور است و علم و عالم هم نور ولی یکی شمع و دیگری خورشیدبا این تفاوت که عابد فقط خودش را نجات می دهد و به دیگران کاری ندارد ولی عالم در آن دنیا تمام کسانی که از وی چیزی آموخته اندرا می تواند شفاعت کند.

امام موسی کاظم از پیامبر روایت می کند که روزی وارد مسجد شدند و جماعتی دور مردی را گرفته بودند حضرت فرمودند این مرد کیست؟ گفتند علامه حضرت فرمودند علامه کیست؟ گفتند عالم ترین مردم است به انساب عرب و اشعار آنها و به وقایع زمان جاهلیت کاملا آشناست حضرت فرمودند این علمی است که دانستن و ندانستن آن یکسان است علم بر سه نوع است و به غیر آن فضیلت است.

۱ - علم خداشناسی که علم اصول عقاید و فقه اکبر است .

۲ - علم اخلاق اشاره به حد وسط نه افراط و نه تفریط که فقه اصغر نامیده می شود

۳ - علم احکام (سنت پایدار) شرع که احکام شرع و قوانین الهی است.

در حال حاضر تلاش همه علوم برای کشف رابطه بین پدیده ها است؟ مثلا علت باریدن باران چیست؟ اما اگر از علت فاعلی فراتر رفته و به سراغ علت غایی و حکمت خدا رفت می شود علم عقاید و احکام محکمه یا مثلا هدف از یاد گرفتن فیزیک بی نیاز کردن مسلمانان از کفار قرار دهد این می شود فریضه عادلانه یا کسی به دلیل آنکه مرجع

واجب کفایی قرار داده که دکتر زن در جامعه داشته باشیم پس این علم ، سنت پایدار می شود بنابراین همین علوم لائیک را می توان به هر سه شاخه‌های که پیامبر فرمودند تبدیل کرد.

## فصل دوم

یکی از بهترین روش های تربیت اخلاقی در قرآن و روایات روش الگویی است (( و لقد کان فی رسول الله اسوه حسنه)) پیامبر الگوی تربیتی شماست. اهل بیت علیه السلام همگی الگوی تربیتی هستند.

حضرت معصومه علیه السلام از معدود امام زادگانی هستند که به درجات بالایی از اخلاق رسیده به گونه ای که در زیارت نامه ایشان می خوانیم تو به شأنی رسیدی که فقط خدا می داند.

علت نامگذاری ایشان به معصومه

۱- عالم غیر متعلمه ۲- ولایت مدار و عاشق و پیرو امام زمانشان

ذکر داستان

جماعتی از راه بسیار دور برای پرسیدن سوالاتی که در شهر و دیار خود به جواب نرسیده بودند خدمت امام موسی ابن جعفر رفتند ولی وقتی به شهر رسیدند حضرت برای انجام کاری از شهر خارج شده بود جماعت بسیار ناراحت شدند در این هنگام حضرت معصومه که هنوز به بلوغ شرعی نرسیده بودند فرمودند سوالات را جمع آوری کنید سپس ایشان جوابها را مکتوب کرده و به جماعت دادند جماعت خوشحال از اینکه که پاسخ را یافته و سفرشان بیهوده نبوده است از شهر خارج شدند در مسیر حضرت را ملاقات کردند و حضرت جوابها را تایید فرمودند ۳ بار جمله ای فرمودند که پیامبر در مورد حضرت زهرا فرمودند (( فداها ابوها)) در این داستان نکاتی قابل توجه است

۱- این سوالات مهم بودند که افراد خستگی راه را به جان خریده بودند.

۲- آن حضرت از پدر مجوز پاسخگویی به سوالات را داشتند

۳- ایشان به درجه علم لدنی رسیده بودند.



بر اساس آنچه گفتیم اگر انسانی مهذب نباشد و اخلاق نداشته باشد بی سواد باشد بهتر است. در روایات آمده است عالمی که مردم از علمش بهره ببرند از ۷۰۰۰۰ عابد بهتر است. حتی می توان گفت این عدد تقریبی است و در مورد بعضی از علما خیلی بیشتر از اینها ارزش دارد این قیاس به علت نورشان است. امام باقر(ع): دانشمند مفید به حال اجتماع ارزشش بیشتر از عبادت هفتاد هزار عابد است.

هر انسان به دو بال برای پرواز در مسیر قرب الهی نیاز دارد که یکی بدون دیگری انسان را به مقصد نمی رساند.

### الف) بال علم و آگاهی

### ب) بال تقوا و تهذیب نفس

امام باقر(ع) فرمودند ((الکمال و کل الکمال التفقه فی الدین والصر علی النائبه و تقدیر المعیشه همه کمال در سه چیز است فهم عمیق در دین، صبر به هنگام رسیدن بلا، اندازه نگاه داشتن در معیشت)) این خود یک نقشه راه است برای اینکه در دنیا و آخرت خوشبخت شویم.

### کمال

اگر به آیات قرآن رجوع کنیم خواهیم دید که قرآن هدف خلقت آسمان و زمین را چنین بیان می کند اینها را برای انسان آفریدیم تا او به زندگی ادامه دهد علت خلقت و حکمت آفرینش رسیدن به کمال است

### کمال انسان چیست؟

### رسیدن به مقام خلافت الهی

مقام هایی که انسان می تواند به آنها برسد: ۱- قرب الله ۲- عند اللهی ۳- عبودیت ۴- ربوبیت ۵- سیر الله ۶- لقاء اللهی (( نکته آنچه شهدا را از دیگران متمایز می کند روزی خوردن یا زنده بودنشان نیست زیرا این دو مورد در دیگران نیز هست بلکه (( عند ربهم)) بودنشان است. مقام ربوبیت یعنی کسی که تمام امور در دستش است باطن عبودیت ربوبیت است.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند» که طبق این آیه هدف یا یکی از

اهداف اصلی خلقت عبادت بیان شده است. در آیه ۵۶ سوره ذاریات

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

بخاطر بیاور هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت «من در روی زمین ، جانشینی (=نماینده ای) قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند : «پروردگارا ! ، آیا کسی را در آن قرار میدهی که فساد و خونریزی کند؟! ما تسبیح و حمد تو را بجا می آوریم ، و تو را تقدیس میکنیم.» پروردگار فرمود : «من حقایقی رامیدانم که شما نمیدانید .» (( آیه ۳۰سوره بقره)) در این آیه هدف آفرینش خلافت انسان بیان شده است

**امام صادق(ع) می فرمایند:** بندگی حقیقی جوهری است که اساس و ذات آن ربوبیت است پس آنچه از مقام عبودیت کم و ناپیدا شد در مقام ربوبیت پیدا و هویدا می گردد هر مقداری که از مراتب و صفات مخفی و پوشیده گشت در مراحل عبودیت جلوه گر و آشکار می گردد.

#### مراتب حکمت:

۱- یقین ۲- تقوا ۳- ایمان ( که خودش ده مرتبه دارد) ۴- اسلام یعنی تسلیم حق بودن

«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» سجده آیه ۲۴

و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند.

((و کذالك نرى ابراهيم ملكوت السموات و الارض و ليكون من الموقنين))

و بدین سان به ابراهیم ملکوت آسمانها و زمین را نشان دادیم تا از اهل یقین گردد.

#### اهمیت یقین در روایات

پیامبر(ص): بهترین صفتی که در قلب نهاده اند یقین است

علی(ع): ای بندگان خدا از خداوند یقین بخواهید زیرا یقین اصل دین است و از او عافیت بجوئید که بزرگترین نعمت است و آن را برای دنیا و آخرت غنیمت شمارید تا مغبون نشوید. توضیح ((اینکه مغبون حقیقی کسی

است که در دین ضرر کرده است و کسی که دیگران باید به حالش غبطه بخورند کسی است که به یقین رسیده است.))

علی(ع): یقن تو را به هر چه خواهی می رساند باز حضرت می فرمایند: اندازه دین هر کس به اندازه یقین اوست. و می فرمایند: رکن ایمان یقین است.

امام باقر می فرمایند: در بین مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است (پس گرانقدرترین چیز یقین است) امام رضا(ع): ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان و به فرزند آدم چیزی بالاتر از یقین داده نشده است.

### یقین چیست؟

رسول خدا فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: یا رسول الله، خداوند مرا با هدیه ای به سوی تو فرستاد که پیش از تو به هیچکس چنین هدیه گرانبھائی اعطا نفرموده است.

پیامبر پرسید: هدیه چیست؟

گفت: صبر، بهتر از آن قناعت، بهتر از آن رضا، بهتر از آن زهد، بهتر از آن اخلاص، بهتر از آن یقین است و اصل همه اینها توکل.

پیامبر می فرماید: پرسیدم توکل بر خدا به چه معنی است؟

جبرئیل پاسخ داد: یقین داشتن به اینکه مخلوق قدرت ندارد به تو ضرری یا سودی برساند. و نمی تواند نعمتی به تو بدهد و یا ترا از نعمتی محروم سازد.

توکل نومیستی از خلق است. پس هرگاه انسان به این مرحله از یقین رسید، دیگر او برای احدی جز خدا کار نمی کند، جز به خدا امید ندارد، جز او از کسی بیام ندارد و به احدی جز او دل نمی بندد. این معنی توکل است

پیامبر اکرم : تفسیر صبر چیست ؟

جبرئیل : آنست که در سختیها، تنگدستیها و گرفتاریها استقامت نمائی ، چنان که در حال رفاه و ثروت و عافیت زندگی می کنی .

پیامبر اکرم : تفسیر قناعت چیست ؟

جبرئیل : قناعت آنست که به آنچه از دنیا می رسد، هر چند کم باشد، قناعت کنی و سپاس گوئی .

پیامبر اکرم : تفسیر رضا چیست ؟

جبرئیل : راضی کسی است که بر مولایش غضب نکند، خواه چیزی از دنیا به او برسد، خواه نرسد، و در مقابل عمل کم و آسان از خود راضی نشود.

پیامبر اکرم : تفسیر زهد چیست ؟

جبرئیل : زهد آنست که انسان کسی را که خدا را دوست دارد، دوست داشته باشد و کسی را که خدا را دشمن دارد، دشمن بداند. از حلال دنیا به اندازه رفع حاجت استفاده نماید و به حرام دنیا هیچ توجهی نکند. زیرا در حلال آن حساب ، و در حرام آن عقاب است . با همه مسلمانان رئوف و مهربان باشد و آنان را مورد ترحم قرار دهد، چنانکه به خودش رحم می کند. از سخن باطل بپرهیزد، چنانکه از مردار متعفن و گندیده می پرهیزد. از دنیا دوری گزیند، چنانکه از آتش اجتناب می ورزد. آرزویش را کوتاه کند و مرگش را جلو چشمش ببیند.

پیامبر اکرم : تفسیر اخلاص چیست ؟

جبرئیل : مخلص کسی است که از مردم چیزی نمی خواهد مگر اینکه آن را به دست آورد. آنگاه از دستاورد خود راضی است و اگر پس از رفع نیاز خود چیزی نزدش باقی ماند، آن را در راه خدا انفاق کند. اگر انسان چیزی از مردم نخواهد، پس به عبودیت برای خدا اقرار کرده ، و هر گاه نعمتی از خدا به او رسید، او از خدا راضی است و خدا از او راضی است . خلاصه مخلص کسی است که نسبت به همه چیزش به پروردگارش اطمینان دارد.

پیامبر اکرم : تفسیر یقین چیست ؟

جبرئیل : مؤ من کارش را برای خدا انجام می دهد، چنانکه خدا را می بیند، و اگر او خدا را نمی بیند، همانا خداوند او را می بیند، و ناظر و حاضر بر همه افعال و اعمال اوست .

در پایان جبرئیل امین گفت : اینها (صبر ، قناعت ، رضا ، زهد ، اخلاص ، یقین ) همه شاخه های توکل است .

علی(ع): اگر انسان به عمل رسید به عالیترین مرتبه یقین رسیده است . توضیح اینکه کی انسان به یقین می رسد جایی که عمل کند فرض کنید مطمئن هستید و یقین دارید که یک لیوان زهر باشد فکر خوردن آن را هم نمی کنید چون به یقین رسیده اید. اینکه چرا غیبت می کنیم چون به یقین نرسیده ایم یقین نداریم که در حال خوردن گوشت برادر مرده اش می باشد.

مراتب یقین: ۱- علم الیقین ( که حثاقل مرتبه است) ۲- عین الیقین ۳- علم الیقین ( بالاترین مرتبه است). اگر انسان به علم الیقین برسد حتما به آن عمل می کند.

راههای رسیدن به یقین:

الف) حافظه

ب) حواس

ج) قلب

د) عقل

ه) وحی

راههای از بین بردن یقین:

علی(ع): دو چیز یقین را از بین می برد شک و هوای نفس

علی(ع): بحث و جدل (مراء) در دین یقین انسان را از بین می برد.

علی(ع): نشست و برخاست با اهل دنیا دو ضرر دارد اولاً باعث ننگ و عار در دین می شود ثانیاً یقین را ضعیف می کند.

امام صادق(ع) : حریص از دو خصلت محروم می شود و دو خصلت با او همراه می شود ۱- از قناعت محروم شده  
لذا استراحت ندارد ۲- رضا و خشنودی از وی گرفته شده و در نتیجه یقینش از بین می رود.

ذکر یک داستان

شخصی به نام صفوان ابن یحیی از امام رضا پرسیدندبا توجه به آیه ۷۵ سوره انعام آیا در قلب حضرت ابراهیم شک و تردیدی بودامام فرمودند:نه بلکه ابراهیم علیه السلام یقین داشت و از خداوند زیاد شدن یقین را می خواست سپس فرمود در ایمان حضرت ابراهیم نسبت به اصل زنده شدن مردگان در روز قیامت شک و تردیدی وجود نداشت اما ایمان مراتب مختلفی دارد زی را منشا ایمان مختلف است برخی از ایمانها و اعتقادات از استدلالات منطقی و عقلی سرچشمه می گیرد و برخی از ایمانها از کشف و شهودو برخی بر اساس اعتماد به قول یک منبع موثق یدیهی است یقینی که از هر کدام از این راهها برای انسان حاصل می شود در یک درجه قرار ندارد.

## فصل سوم

اگر کسی بخواهد در مسیر اخلاق حرکت کند چه گامهایی باید بردارد؟ رسیدن به فضائل هدف است اما چگونه به این اهداف باید رسید یعنی گام هایی که یک انسان باید بردارد تا به مقصد برسد چیست؟  
۱. بیدارشدن(یقضه) که نقطه مقابل آن غفلت است اگر کسی دچار غفلت شد از راه باز مانده است نقطه ی مقابل بیداری، غفلت است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: الناس نیام اذا ماتوا انتبهوا در اینجا ال که برسر الناس آمده ال جنس

است مردم خواب هستند وقتی می میرند بیدار می شوند ولی خواب افراد با هم فرق می کند

- بعضی افراد خوابشان مانند حیوانات قطبی است بیدار شدن آنها تقریبا غیر ممکن است

- بعضی ها خود را به خواب می زنند که این افراد را هیچ وقت نمیشه بیدار کرد.

- بعضی ها خواب خرگوشی دارندو به راحتی بیدار می شوند

- بعضی ها خواب سنگیری دارند و دیر بیدار می شوند.

- بعضی از انسان ها اصلا خواب ندارند: مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چشمهایشان روی هم می رفت

ولی قلب ودلشان همیشه بیدار بود و لذا هر وقت وحی به ایشان وارد می شد آمادگی دریافت آنرا داشتند

ده هدیه قبل از مرگ

مردی خدمت پیامبر(ص) آمد و عرض کرد آیا به من اجازه میدهی که آرزوی مرگ بکنم؟

حضرت فرمود: مرگ چیزی است که چاره ای از آن نیست و مسافرتی است طولانی که سزاوار است برای کسی که بخواهد به این سفر برود ده هدیه با خود ببرد پرسید آن هدایا کدامند؟

رسوا اکرم (ص) فرمود:

۱- هدیه عزرائیل ۲- هدیه فبر ۳- هدیه نکیر و منکر ۴- هدیه میزان ۵- هدیه پل صراط ۶- هدیه مالک (رئیس جهنم) ۷- هدیه رضوان (رئیس بهشت) ۸- هدیه پیامبر (ص) ۹- هدیه جبرئیل ۱۰- و هدیه خداوند متعال

اما هدیه عزرائیل چهار چیز است :

۱- رضایت حق داران ۲- قضای نمازها ۳- اشتیاق به خداوند ۴- آرزوی مرگ

اما هدیه قبر چهار چیز است :

۱- ترک سخن چینی ۲- استبراء از بول ۳- تلاوت قرآن ۴- نماز شب

اما هدیه نکیر و منکر چهار چیز است :

۱- راستگویی ۲- ترک غیبت ۳- حق گویی ۴- تواضع در برابر همه

اما هدیه میزان چهار چیز است :

۱- فرو خوردن خشم ۲- تقوای راستین ۳- رفتن به سوی جماعت ۴- دعوت به سوی آمرزش الهی

اما هدیه صراط چهار چیز است :

۱- اخلاص عمل ۲- زیاد به یاد خدا بودن ۳- خوش اخلاقی ۴- تحمل کردن آزار دیگران

اما هدیه مالک (رئیس جهنم) چهار چیز است :

۱- گریه از ترس خداوند ۲- صدقه مخفی ۳- ترک گناهان ۴- خوش رفتاری با پدر و مادر

اما هدیه رضوان (رئیس بهشت) چهار چیز است :

۱- صبر در ناملایمات ۲- شکر بر نعمت ۳- انفاق مال در راه اطاعت خداوند ۴- رعایت امانت در مال وقفی

اما هدیه رسول اکرم(ص) چهار چیز است :

۱- دوست داشتن او ۲- پیروی از سنت او ۳- دوست داشتن اهل بیت او ۴- زبان را از بدی ها حفظ کردن

اما هدیه جبرئیل چهار چیز است :

۱- کم حرف زدن ۲- کم خوردن ۳- کم خوابیدن ۴- مداومت بر حمد

اما هدیه خداوند متعال چهار چیز است :

۱- امر به نیکی ۲- نهی از بدی ۳- نصیحت و خیر خواهی برای مردم ۴- و مهربانی کردن با همه

### مراتب خواب:

هر کس با توجه به مرتبه ای که دارد از خواب بیدار می شود.

غفلت، انسان را از انسانیت ساقط می کند حتی از حیوانیت نیز ساقط می کند چراکه انسان غافل در درنده خویی و شهوت گاهی از حیوان نیز پست تر می شود و از حیوانیت تجاوز می کند مثلاً تا کنون شنیده نشده که دو تا الاغ هم جنس بازی کنند ولی متأسفانه بعضی از انسانها لواط (هم جنس بازی) می کنند.

همه ی انسان ها در خط حیوانیت متولد می شوند ولی گاهی از فرشته ها بالا تر می روند طوری که فرشته وحی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من از اینجا به بعد نمی توانم با شما همراه باشم و بالاتر بیایم، اگر بالاتر بیایم می سوزم و گاهی انسان حتی از یک حیوان پست تر می شود و از خط حیوانی تجاوز می کند.

غفلت از ریشه غفله و به معنی غایب شدن چیزی از خاطر انسان و عدم توجه به آن و گاهی در مورد بی توجهی و روگردانی از چیزی نیز استعمال می شود. پس غفلت عبارت است از نبود تذکر و یاد آوری....

غفلت بی توجهی یا کم توجهی به سرنوشت و سعادت دنیا و آخرت انسان است به گونه ای که فرد غافل رفتار و اعمال خویش را بدون دقت و آینده نگری دنبال می کند و به حقایق دنیا و آخرت توجهی ندارد.

### عوامل غفلت:

۱ - روی گردانی از یاد خدا

۲ - فراموش کردن خدا

۳ - فراموش کردن قیامت

۴ - دروغ شمردن آیات خدا

۵ - فراموش کردن مرگ

۶ - هم نشینی با دوستان ناباب

۷ - علاقه افراطی به اولاد و اموال



## درمان غفلت

۱- ذکر خدا سوره کهف آیه ۲۴

۲- خواندن قرآن سوره مدثر آیه ۵۵ و ۵۴

۳- یاد نعمت ها و نعمت دهنده سوره جن آیات ۱۶ و ۱۷

۴- عبرت از تاریخ پیشینیان سوره طه آیه ۱۲۸

۵- یاد مرگ سوره نساء آیه ۷۸

۶- یاد قیامت سوره حدید آیه ۱۷

۷- نماز با حضور قلب

۸- تفکر و اندیشه

۹- تغییر محیط

کسی که در شبانه روز ۵ وعده نماز بخواند و کسی که در هر روز ۵۰ آیه از قرآن را تلاوت کند غافل نیست چون هم قرآن و هم نماز ذکر است ذکر انسان را بیدار می کند و نقطه مقابل غفلت است.

بعد از این که انسان از خواب بیدار شد و متوجه شد که در این دنیا مسافر است و باید مقصدی را برای رسیدن به قرب الهی بپیماید از غفلت بیرون آمده است. بین مومن تا بهشت ۲۰۰ گردنه و خطر وجود دارد که آسان ترین آن مرگ است پیامبر اکرم فرمودند: هفتاد ضربه شمشیر بر بدن آسان تر از یک لحظه جان کندن و سفر به عالم دگر است.

شیعیان حضرت علی علیه السلام حتما به بهشت می روند ولی ممکن است پنجاه هزار سال در عالم برزخ و قیامت و یا حتی سیصد هزار سال در جهنم بمانند ولی سرانجام وارد بهشت می شوند و این مدت به اعمال آن ها در این دنیا بستگی دارد.

امام سجاد علیه السلام می فرمایند: خداوند بهشت را خلق نکرد مگر برای مطیعین، هر چند که مطیع خدا یک غلام سیاه پوست باشد و جهنم را برای گناه کاران خلق کرد. باید مواظب باشیم و به اعمال کم خود اکتفا نکنیم و مغرور نشویم. خیلی از انسانها در گردنه ها ماندند و به مقصد نرسیدند.

طاووس یمانی می گوید:

علی بن الحسین علیه السلام را دیدم که از وقت عشا تا سحر به دور کعبه طواف می کرد و به عبادت پروردگار مشغول بود.

وقتی که خلوت شد و حجاج به منازلشان رفتند، به آسمان نگاهی کرد و گفت :

خدایا! ستارگان در افق ناپدید شدند و چشم های مردم به خواب رفته و درهای رحمت تو بر روی همه نیازمندان درگهت باز است .

به پیشگاه با عظمت تو رو آوردم تا بر من رحم نمایی و مرا مورد عفو و گذشت خود قرار دهی و روز قیامت در صحرای محشر چهره جدم محمد صلی الله علیه وآله را به من بنمایی .

سپس در حال ناله و گریه چنین دعا می کردند:

خدایا! به عزت و جلالت سوگند با نافرمانی خود قصد مخالفت تو را نداشتم و ترمدم از این جهت نیست که در حقانیت تو شک و تردید دارم و یا از عذابت بی خبرم و یا به شکنجه تو اعتراض دارم بلکه از این روست که مرا هوای نفس فریفته و پرده پوشی تو بر این امر کمک کرد، بارالهی ! اکنون چه کسی مرا از عذاب تو می رهااند و چنگ به دامان که بزنم اگر دست مرا قطع بکنی ... وای بر من ! هرچه عمرم طولانی شود، گناهانم بیشتر می گردد و توبه نمی کنم . آیا وقت آن نرسیده است که حیا کنم ؟ سپس گریست و گفت :

ای منتهای آمال و آرزوها! آیا با این همه امید و محبتی که به تو دارم مرا در آتش می سوزانی ؟ چقدر کارهای زشت و شرم آوری نموده ام ! میان مردم جنایتکارتر از من کسی نیست ! باز اشک ریخت و گفت :

خدایا! تو از هر عیب و نقص منزهی ، مردم چنان تو را معصیت می کنند مثل اینکه تو آنان را نمی بینی ، و چنان حلم می ورزی که گویا تو را نافرمانی نکرده اند و طوری به خلق محبت می کنی ، مثل اینکه به آنان نیازمندی ، با اینکه خدایا تو از همه آنها بی نیازی .

آنگاه بر روی زمین افتاد و غش کرد. من نزدیک رفتم سر او را بر زانو نهادم ، چنان گریه کردم که قطرات اشکم بر صورت آن حضرت چکید. برخواست و نشست و فرمود:

کیست مرا از مناجات با پروردگارم باز داشت ؟

عرض کردم :

فرزند رسول خدا! من طاووس یمانی ام . این ناله و فغان چیست ؟ ما جنایتکاران سیاه رو هستیم که باید آه و ناله داشته باشیم نه شما! که پدرت حسین علیه السلام و مادرت فاطمه علیهاالسلام و جدت رسول اکرم صلی الله علیه وآله است .

روی به من کرد و فرمود: چه دور رفتی ای طاووس ! از پدر و مادر و جدم سخن مگو. خداوند بهشت را آفریده برای بنده مطیع و نیکوکار، گرچه غلام سیاه حبشی باشد و جهنم را آفریده برای بنده معصیت کار، گرچه سید قریشی باشد. (۱) مگر نشنیده ای خداوند می فرماید:

((فاذا نفخ فی الصور فلانساب بینهم یومئذ و لا یتسائلون .))

به خدا سوگند! فردا جز عمل صالح چیزی برایت سودی نمی بخشد. (۳) [۱] خلق الله الجنه لمن اطاعه و احسن ولو كان عبدا حبشيا و خلق النار لمن عصاه و لو كان سیدا قرشیا. هنگامی که صور دمیده شد دیگر خویشاوندی بین مردم نیست و از کسی سؤال نمی شود با چه کسی نسبت داری ؟ مؤ منون - آیه ۱۰۱

ما مسافریم و مسافر را خواب نشاید که خواب آفت سفر است.

خوب حالا که بیدار شدیم گام بعدی توکل است و مثل مراقبه همیشه و مستمر است.

### گام دوم توبه:

اخلاق در واقع مظلوفی است که ما می خواهیم در ظرف وجودی خود بریزیم. اگر ظرف وجودی آلوده باشد هر چه داخل آن بریزیم آلوده می شود حالا می خواهیم قران، نماز، اخلاق را در ظرف وجودی مان قرار دهیم پس عقل و حکمت حکم می کند که ظرف وجودیمان را پاک کنیم و پاک کردن وجود از طریق توبه امکان پذیر خواهد بود.

### توبه در لغت:

توبه در لغت به معنای رجوع و بازگشت است. یعنی این که انسان راهی را برود و سپس آن راه را بر گردد، در امور نفسانی و قلبی توبه معنای خاص خود را دارد، توبه یعنی روح و نفس انسان که مدتی از حیات خود را با یک سری از صفات و خصلت ها گذرانده و سپوی کرده و با آن ها همدم بوده است، به دلیل یک انقلاب و تحول درونی آن ها را ترک کند و برگردد.

### حقیقت توبه:

حقیقت توبه بر سه اصل است:

۱. بیزاری قلبی از گناهان گذشته و تنفر و انزجار از آن و پشیمانی واقعی

۲. تصمیم جدی داشته باشد که در آینده مرتکب گناه نشود.

۳. تلافی و جبران اعمالی که در گذشته انجام داده و قابل جبران نیز باشد، از باب مثال: نماز نخوانده و روزه نگرفته، حال باید آنها را قضا نماید.

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کردند: **توبه نصح چیست؟**

آن حضرت فرمودند: «ان یتوب التائب ثم لایرجع فی ذنب کما لایعود اللبن الی الضرع ؛ آن است که شخص توبه کننده به هیچ وجه به گناه برنگردد، آن چنان که شیر هرگز به پستان بر نمی گردد.»

### آثار توبه:

توبه راه صد ساله را یک شبه طی می کند و بدی ها را به خوبی تبدیل می کند و مقام انسان را جهشی بالا می برد و از آنجا که گناه دعاها را حبس می کند، انسان توبه کار مستجاب الدعوه می شود و توبه کننده محبوب خداوند یکتا می شود و هرچه بخواهد خداوند دعایش را مستجاب می کند.

علی(ع): توبه دل را پاک می کند و گناهان را می شوید

آیه ۲۲۲ سوره بقره: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ**

خدا توبه کنندگان و پاک کنندگان روح را دوست می دارد.

با توبه انسان جزء مطهرین می شود و دعای او نزد خداوند جایگاه پیدا می کند و برآورده می شود و اگر این انسان به سمت قرآن آمد به او اجازه ی مسح قرآن را می دهند و اجازه می دهند قرآن را لمس کند.

### مراحل ارتباط با قرآن

۱. نگاه کردن به قرآن

۲. قرائت قرآن

۳. تلاوت قرآن

۴. تدبر در قرآن

۵. فهم قرآن

۶. عمل به قرآن

۷. انس با قرآن

۸ - تماس با قرآن؛ آخرین گام است که شرط تماس با قرآن طهارت است.

۹ - پیامبر (ص): بسا تلاوت کننده قرآن که قرآن لعنتش می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

أفلا يتدبرون القرآن على قلوبهم أفعالها

چرا در قرآن تدبر نمی کنند مگر به دل های آنان قفل زده شده است؟

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ

و از نشانه های پرهیزکاران آن است که هرگاه مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می افتند و

برای گناهان خود از خدا طلب آمرزش می کنند. آل عمران ۱۳۵

در مناجات خمس عشر امام سجاد علیه السلام اولین مناجات ایشان می فرماید: دری به سوی عفت گشودهای و نامش را

توبه نهادی و فرمودهای باز گردید به سوی خدا و توبه کنید توبه خالص حال که این در رحمت بازاست پیامبر (ص)

می فرماید بدرستی که بنده اگر گناهی را مرتکب شود لکه سیاهی در دل او پدید می آید که اگر از گناه خود دل بر

کند و استغفار و توبه نماید دلش صاف می شود و اگر گناهی دیگر کرد با تکرار گناه لکه افزون تر می شود تا جایی که

خانه قلب را سیاهی فرا می گیرد در این صورت است که دل دیگر استعداد ندارد انوار ارزشهای معنوی را در خود

تابش دهد و در این چیرگی گناه است که خداوند می فرماید: نه بلکه گناهشان بر دلهايشان چیره شده است

امام علی علیه السلام می فرمایند:

اگر اشک روان شود، دل نرم می شود و اگر دل نرم شود کم تر گناه می کند، ولی گناه دل را سنگ می کند و اشک

چشم خشک می شود.

بنابر آنچه گفته شد پشیمانی حقیقی برابر است با پاکی کامل انسان طوری که انگار تاکنون مرتکب گناه نشده است.

### تفاوت حدیث قدسی با قرآن:

۱ - قرآن معجزه جاوید و محفوظ از هر گونه تبدیل و تغییر و کلام متواتر است ولی حدیث قدسی چنین نیست

۲ - منکر قرآن کافر شمرده می شود.

۳ - قرائت نماز فقط با قرآن صحیح است

۴ - مس قرآن بدون طهارت جایز نیست

۵ - واسطه نزول قرآن جبرئیل امین است

۶ - بیع و معامله قرآن جایز نیست

۷ - در حدیث قدسی لفظ و معنی از طرف خداوند است و الفاظ آن منتخب پیامبر

۸ - نقل به معنی در مورد قرآن جایز نیست

۹ - الفاظ قرآن قطعا از ناحیه خداوند متعال است.

حدیث قدسی: اگر گناه کاران می دانستند با گناه خود به خدا پشت کرده اند ولی خداوند چقدر مشتاق توبه و بازگشت آنان است از شدت ذوق می مردند.

خداوند می فرماید: اگر انسان در یک بیابان تنها و تشنه و گرسنه در حال مرگ باشد و ناگهان مرکبی همراه با غذا به او برسد چقدر شاد می شود؟ اگر گناه کاری توبه کند شدت شوق من از او بیشتر است. هر توبه ی بنده بین دو تا توبه خدا قرار دارد به گونه ای که هر توبه ای که بنده انجام می دهد خداوند دو بار توبه می کند و اگر نه توبه ی انسان پذیرفته نیست.

### راه های ترک گناه:

۱. **گام اول:** پی بردن به زشتی گناه و کسب معرفت نسبت به حقیقت گناه.

تمرین: خواندن هر روز یک حدیث و عمل به آن حدیث

۲. **گام دوم:** از نزدیک شدن به گناه جلوگیری کند.

تمرین: بعد از طلوع فجر هر روز ۷۰ بار ذکر یا فاتح سبب دریا دلی و شرح صدر می شود.

۳. **گام سوم:** به حرف نفس نکند و به خود فشار بیاورد تا نفس سرکشش آرام شود؛ مثلا برای تمرین خوش اخلاقی

فرد باید به خودش فشار بیاورد تا به هیچ عنوان عصبانی نشود و با انسان های خوش اخلاق نشست و برخاست کند که؛

با بدان منشین که صحبت بد گرچه پاکی تو را پلید کند

آفتابی بدین بزرگی را پاره ای ابر ناپدید کند

در پایان باید گفت اخلاق مانند عطر خوشبویی است که اگر انسان در کنار آن باشد و زندگی کند، خود به خود خوشبومی شود.

## فصل چهارم

بعد از آنکه انسان از خواب غفلت بیدار شد می بایست تکالیفی را که نسبت به خدا دارد انجام دهد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: میوه علم شناخت خداست.

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ  
از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می ترسند آری  
خدای ارجمند آمرزنده است.

علی(ع): معرفت الله اعلم المعارف: بلندترین معرفتها، معرفت خداست.

پیامبر اکرم: اگر خداوند را چنانچه شایسته است می شناختید هر آینه بر روی آنها راه میرفتید.

پیامبر(ص): اگر خداوند را چنان که شایسته است می شناختسد با دعای شما کوه ها از جا کنده می شدند.

## ذکر چند سوال

۱- فضیلت و اهمیت معرفت خداوند را بیان نمائید.

۲- از چه راهی می توانیم خدا را بشناسیم

۳- در چه حدی خدا را بشناسیم

۴- آیا معرفت خداشناسی واجب است یا مستحب یا حرام؟

میزان ارزش و فضیلت هر شناخت به قدر ارزش و فضیلت آن موضوع است یعنی شناخت موضوعات کوچک و کم فایده از اهمیت و فضیلت کم و موضوعات بزرگ از اهمیت بیشتری برخوردارند به همین دلیل چون موضوع بحث معرفت الله والاترین و شریفترین موضوع است به گونهای که هیچ موضوعی را نمی توان با آن قیاس کرد پس بحث درباره او با فضیلت ترین است.

## ضرورت شناخت خدا

(الف) ارضای حس حقیقت جویی

(ب) لزوم شکر منعم

امام صادق (ع): چقدر زشت است که از عمر انسانی ۷۰-۸۰ سال بگذرد و در ملک الهی زندگی کند و از نعمت هایش بهره‌مند شود اما خدا را آنگونه که سزاوار است نشناسد برترین و واجب‌ترین وظیفه انسان شناخت پروردگار و اقرار به عبودیت اوست.

علی (ع): سرآغاز دین شناخت خداست

معصوم می‌فرمایند: بعضی از شما نماز بعضی از شما حج، گروهی صدقه‌و جمععی از شما روزه شان بیش از دیگران است اما با فضیلت‌ترین شما کسی است که از شناخت بالاتری نسبت به خداوند بهره‌مند باشد. خداشناسی واجب است یا مستحب یا حرام؟ معرفت خدا بر سه قسم است:

### معرفت واجب:

بر همه انسانها واجب است که خدا را بشناسند، عبادت کنند و این از هرواجبی واجب‌تر است، واجبات نظری ریشه و پایه واجبات عملی هستند.

### معرفت مستحب:

با قرآن و صدیقین و با ورزش عقلی و ریاضت قلبی و تهذیب نفسانی بدست می‌آید. افرادی که اهل علم هستند فقط به معرفت واجب اکتفا نمی‌کنند و به سراغ معرفت مستحب می‌روند.

### معرفت حرام:

نتیجه‌ای جز گمراهی ندارد. اندیشه در ذات خدا و این که خدا چیست؟ چون خداوند ماهیت و چیستی ندارد بلکه خالق چیستی و کیفیت است این معرفت حرام است چون به نتیجه نمی‌رسد.

### نتیجه تفکر در ذات خدا

۱- انسان هرچه فکر می‌کند به جایی نمی‌رسد و خدا را منکر می‌شود

۲- سرگردان می‌ماند امام صادق (ع): بر حذر باشید از تفکر در ذات خدا چون نتیجه‌ای جز گمراهی ندارد.



۳- در ذهن خود یک موجود موهوم خلق می کند و آن را خدا نامگذاری می کند

معصوم می فرمایند: هر آنچه از معانی که با قوه خیالتان تشخیص می دهید مخلوقی مثل شماس است که به خلاقیت ذهن شما بر می گردد.

۱۳۶ اسم و صفت برای خداوند در قرآن آمده واسمائی الحسنی ( ۹۹ ) در روایات و دعای جوشن کبیر ذکر شده است

لوکان فیهما الهه الا الله لفسد تا فسبحان الله رب العرش عما یصفون ):(اگر در آسمان و زمین خدایی جز خدای یکتا بود، تباه می شدند، پس پروردگار عرش از آنچه وصف می کنند منزه است.

### راه های شناخت خدا

۱. عقلی و فلسفی: حکمت از طریق عقل بدست می آید.

۲. حواس (راه غیرمستقیم شناخت): آنچه از طریق حواس به دست می آید به عبارت دیگر تکیه بر حس و تجربه علم است.

۳. فطرت یا دل (راه مستقیم): که نتیجه آن عرفان است

۴. وحی که ثمره آن معارف و تعالیم دین است.

از هر چهار راه می توان خدا را شناخت گاهی مستقیم (دل یا فطرت) گاهی غیرمستقیم (حواس)

### درجات شناخت خدا

الف) شناخت مفهومی یا حصولی

ب) شناخت حضوری که عین واقع است

فواید معرفت الله:

۱ - تصحیح جهان بینی که ثمره آن اصلاح عمل است ( ایمان نیز بعد از شناخت خداست)

۲ - درک عظمت خداوند: به گونهای که فرد به خود اجازه نافرمانی نمی دهد.

امام صادق(ع) می فرمایند: کسی که خدا را بشناسد از خدا می ترسد و کسی که می ترسد نفس خود را از دنیا پرهیز می دهد

### مواع شناخت خدا

۱- صرفا اتکا کردن به حس

۲- تقلید کورکورانه

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَٰئِكَ كَانُوا  
أَبَاؤَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

و هنگامی که به آنان گفته میشود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید می گویند: آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم برای ما کافی است. آیا از پدرانمان پیروی می کنندهر چند پدرانمان چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته بودند

۲- دل بستگی به دنیا و هواپرستی:

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

چنین نیست که آنهاگمان می کنند، بلکه کارهایشان همچون زنگاری بر دلهایشان نشسته است. (و از درک حقیقت محروم گشته اند)

### اثبات خداشناسی با قرآن:

۱. اثبات خدای متعال

۲. توجه به صفات خدا؛ صفات جمال، صفات ثبوتی، صفات صلبی، صفات ذات و صفات جلال.

۳. احکام خدا؛ عدل الهی، جبر و اختیار و قضا و قدر

### ۲- تنظیم رابطه خودمان با خدا

دومین ثمره بیدار شدن از خواب غفلت تقویت رابطه خود با خداست باید از خود پرسید خدا از من چه می خواهد

و من از او چه می خواهم و چرا؟

حال که می دانیم یک مبدا و مقصد داریم، ومبدا و مقصد خداست باید دست در دست ائمه و پیامبر بگذاریم. پس باید از خواب غفلت بیدار شویم و معرفت شناخت پیامبر و امام زمانمان را پیدا کنیم اگر این معرفت حاصل شد از جامعه جاهلی جدا شده ایم و گرنه شخص بویی از تمدن و اسلام نبرده است. خطبه ۲۶ نهج البلاغه ترسیم جامعه جاهلی استو شما - ای گروه عرب - بر بدترین آیین و در نابسامان ترین شرایط می زیستید: در میان سنگلاخهای ناهموار و مارهای پرزه‌ری که از آوازه‌ها نرَمند، گویی کردند. آب آلوده و ناگوار می نوشیدید، و غذای نامناسب و غیر بهداشتی می خوردید، و خون یکدیگر می ریختید، و پیوند خویشاوندی را بریده بودید. بت پرستی میان شما رایج بود و گناهان دایر.

برای نجات از این شر و بدبختی باید امام زمان را شناخت و دست در دست او گذاشت .

پیامبر(ص): هرکس بمیرد در حالیکه امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. خداوند به کسی که معرفت داشته باشد؛ ثواب هفتاد حج و هفتاد عمره می دهد و هر قدر معرفت ما بیشتر باشد ثواب بیشتر است. اگر معرفت امام نباشد گمراهی محض خواهد بود.

وظیفه ما در برابر امام و پیامبر چیست:

### ۱. شناخت امام

### ۲. محبت امام (فرع بر معرفت)

### ۳. اطاعت

یکی از راه های کسب معرفت امام خواندن زیارت جامعه کبیره است و هرچه معرفت بیشتر باشد به مقصد نزدیکتر خواهیم شد که البته این معارف نیز مراتبی دارد.

۲- محبت امام یک امر قلبی است که مقدمات ایجاد محبت در دست ماست اگر امام را شناختیم محبت ایجاد خواهد شد در غیر این صورت یا انسان نیست که این محبت در درونش ایجاد شده یا معرفت به دست نیامده که کمال را در امام نمی بیند.

۳- اطاعت ( فرع بر محبت) وقتی کسی را دوست داشته باشیم نافرمانی او را نمی کنیم

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد و خداوند آمرزنده مهربان است (ال عمران/۳۱)

توضیح آیه فوق اینکه هر ادعایی با عمل ثابت می شود لازمه ایمان به خدا پیروی از اولیای خداست رضای خدا نیز در پیروی از خداست و کارهای نیک نیز مایه آمرزش گناهان است.

### ۳- خودشناسی

سومین ثمره بیدار شدن از خواب غفلت خودشناسی است. اگر انسان خودش را چنان که شایسته است شناخت دیگر خودش را ارزان نمی فرود

حضرت علی علیه السلام می فرماید: بهای شما چیزی جز بهشت نیست پس خود را جز به بهشت نفروشید. هر کس کودک گریان خود را راضی کند تا آرام شود خداوند از بهشت آنقدر به او می دهد تا راضی شود. حضرت فاطمه (س): تلاوت کننده سوره حدید، واقعه ، الرحمن در آسمان و زمین اهل بهشت خوانده می شود. امام صادق (ع): بهشتی ها چهار نشانه دارند؛ روی گشاده، زبان نرم، دل مهربان و دست دهنده.

علی (ع): ارزش کسی که تنها جهت شکمش کوشش می کند مساوی آن چیزی است که از شکم او خارج می شود. علی (ع): کسی که نفس خود را گرامی بدارد شهوات و خواسته های نفسانی پیش او حقیر و بی ارزش خواهد بود. اگر انسانی ارزش خود را شناخت یعنی تعلیم و تربیت پیدا کرده است. کسی که خود را بشناسد و به معرفت برسد همه دنیا در نظر او بی ارزش است. خود را ارزان نمی فرود. این ویژگی انسانی است که بنده خداست. مثلا در بهائیت خدا ندارند و انسان را در حد خدا می پندارند و انسان را نشناختند و نمی دانند انسان خلیفه خداست و آنها انسانی را معرفی می کنند که جای خدا نشسته و فکرمی کند، انسان حیوان موفق است. ولی ما خود را بنده خدا می پنداریم.

امام علی علیه السلام می فرمایند: هرکس خود را نشناسد و عزت نفس نداشته باشد، سراسر شرّ است و شرّش همه جا را می گیرد و کسی از شرّش ایمن نیست.

ما عمر، وقت و سرمایه های ارزشمند محدودی داریم و ما مسافر هستیم و باید از خواب غفلت بیدار شویم.

ما فراغت از زندگی نداریم و زنگ تفریح نداریم و هر لحظه زندگی ما آزمون است.

عمر سرمایه بزرگی است که نباید راحت آن را از دست بدهیم. و سعی کنیم سرمایه های خود را با سرگرمی های بیهوده مثل دروغ و غیبت و گناه پر نکنیم و مراقب سرمایه های خود باشیم و با معرفت الهی از خواب بیدار شویم. بعضی افراد این گونه می اندیشند که لذت های دنیا منحصر به ثروتمندان است ولی باید گفت که بیشترین لذت های معنوی و حقیقی از آن فقرا است و چه بسا ثروتمندانی که لذت مادی فراوانی دارند ولی چون ثروت خود را در جای حرام مصرف می کنند؛ سرانجامشان عذاب و آتش است.

در قیامت از ۴ چیز ما سوال می شود:

۱. عمرت را کجا صرف کردی؟

۲. جوانی ات را کجا پیر کردی؟

۳. مالت را از کجا به دست آوردی و کجا خرج کردی؟

۴. برای اهل بیت چه کردی؟

امام علی علیه السلام می فرمایند: علم به درس خواندن و افزایش یادگیری نیست.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرمایند:

علم نوری است که خداوند در قلب هرکس که بخواهد می تاباند.

در حقیقت در سبک زندگی اسلامی چیزی به اسم اوقات فراغتو فارغ التحصیلی نداریم این اصطلاحات از فرهنگ غربی وارد فرهنگ ما شده است.

## فصل پنجم

آنچه در مباحث گذشته گفته شد اینکه فلسفه آفرینش تصحیح اخلاق انسان است مقصد آفرینش نیز به کمال رسیدن انسان است کمال انسان نیز این است که انسان به قرب الی الله برسد و غایت آن است که انسان خداگونه شود و به مقام عند اللهی برسد.

گفتیم که توبه عوام در مرتبه اول به معنای اینکه گناه نکن، کار بد انجام نده، رفتار گذشته ات را اصلاح کن در مرتبه بعد یعنی اینکه مرتکب کار حرام نشود و واجبات خود را انجام دهد در درجات بالاتر به گونه ای است که اگر شخص نمازش را اول وقت نخواند گریه می کند و بالاترین مرتبه توبه این است که اگر یک لحظه از یاد خدا غافل شود گریه می کند. از آنچه گفته شد سر و رمز و راز گریه اهل بیت نیز مشخص شد.

گفتیم که مراقبه مستمر و همیشگی است هم کما هم کیفا انسان هر چه بالاتر می رود مراقبت نیز حساس تر می شود.

ابلیس سقوطش خیلی خطرناک بود به خاطر یک لحظه غفلت زیرا ۷۰۰۰ سال در صف فرشتگان خدا را عبادت می کرد و مقامش که مقام جن بود به مقام فرشته ها رسید و چنان نزول کرد که هر گناهی در هر جا رخ دهد به حساب ابلیس نوشته می شود.

هر روز و هر لحظه از قلب، عقل، بدن، باورها، تمایلات و خواسته های قلبی، اعمال و رفتار بدنی هم به لحاظ طول هم به لحاظ عرض با ید مرقبه انجام شود.

### تقوا

تقوا از موضوعات مستمر و دائمی است از ماده وقایه یعنی سپر نگه داشتن و نگهداری انسان از گناه است که دائمی است و لحظه به لحظه عمر باید همراه انسان باشد و در آیات و روایات به لباس تشبیه شده است (( لباس تقوا ذلک خیر لکم )) انسان از آنجایی که انسان است لباس دارد و لباس انسان ریشه در انسانیتش دارد و به همین خاطر بود که آدم و حوا به محض این که از بهشت اخراج شدند و لباس های بهشتی را از آنها گرفتند اولین کاری که کردند با همان برگ درختان خودشان را پوشیدند چون در فطرت و ذات انسان پوشش وجود دارد امام معصوم می فرمایند: همراه خود زاد و توشه داشته باشید و بهترین زاد و توشه تقواست.

۱ - نقش تقوا در اخلاق و تربیت انسان چیست؟

۲ - حقیقت و مفهوم تقوا یعنی چه؟ چه فرقی با ورع دارد؟ اقسام و انواع تقوا؟

۳ - آثار و برکات و ثمرات تقوا در دنیا و آخرت چیست؟

۴ - صفات متقین چیست؟

۵ - اوصاف متقین در قرآن و روایات؟

## تقوا در قرآن و روایات:

۱. امر و دعوت به تقوا

۲. اثرات، برکات و فایده های تقوا خیلی مشاهده می شود و این بیانگر اهمیت تقوا در این دو شاخه است.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

و اگر اهل آن شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند به یقین برکاتی را از آسمان می گشودیم، ولی ( انبیا را) تکذیب کردند، و ما آنان را به کیفر آنچه مرتکب می شدند (به عذاب) گرفتیم.

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَارِيبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ

از این آیه استفاده می شود که اولاً انسان های متقی در مسیر هدایت الهی هستند ثانياً فائز و رستگارند.

چه کار کنیم که در مسیر اخلاق به نتیجه برسیم و منحرف نشویم:

تقوا به منزله زره نفوذ ناپذیری است که همه جا باید همراه انسان باشد پس فرد متقی در مسیر هدایت الهی است و سرانجام پیروز و رستگار خواهد شد.

(( یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباسا یواری و لباس تقوا ذلک خیر ذلک من آیات الله لعلکم یذکرون ذلک من آیات الله ))

ای فرزندان ادم ما برای شما لباس نازل کردیم (جالب است قرآن می فرماید لباس نازل کردیم معلوم می شود لباس از موارد آسمانی است) که با آن خود را بپوشانید اما بدانید لباس دیگری هم هست و آن لباس تقواست و این برای کسانی است که اهل تذکر و ذکر باشند این امور از آیات الهی است.

(( یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا و یکف عنکم سیئاتکم و یغفر لکم و الله ذو الفضل العظیم ))

در این آیه ۴ فایده برای تقوا شمرده شده است:

۱- فرقان یعنی تشخیص حق و باطل از یکدیگر در این صورت است که وقتی امواج فتنه در جامعه مثل سیل همه را فرا می گیرد انسان های متقی راه برون رفت از فتنه را پیدا می کنند.

۲- یغفر لکم خدا شما را می آمرزد

۳- و یکفر عنکم سیئا تکم گناهان شما را می پوشاند.

۴- و الله ذو الفضل العظیم چون خداوند دارای فضل عظیم است برکات و فضل های دیگری هم دارد و منحصر به این سه مورد نیست.

(( تلک دار الاخره نجعلها للذین و العاقبه للمتقین ))

آیه فوق بیانگر این است عاقبت به خیری منحصر برای افراد متقی است.

برای جمع آوری آیات مربوط به تقوا می توان به کتب زیر مراجعه نمود.

کشف المراد و کشف الایات ، معجم المفهرس

تقوا در کلام امام علی علیه السلام :

۱. **إِنَّ التَّقْوَى رَأْسُ الْإِخْلَاقِ** اوج و رأس اخلاق تقواست.

۲. **إِنَّ التَّقْوَى أَفْضَلُ كَنْزٍ وَ أَحْرَزُ حِرْزٍ** تقوا برترین گنجینه ها، مستحکم ترین حفاظ ها، برترین و عزیز ترین

عزت هاست و هر کس دنبال بهترین مطلوب هست مطلوبش در تقواست بزرگترین پیروزی هر پیروزمندی در تقواست.

۳. **إِنَّ التَّقْوَى مِنْتَهَى رِضَى اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ وَ حَاجَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ** تقوا آخرین حد خشنودی خدا از بندگان خود و

خواستۀ خدا از مخلوقش و آنچه خشنودی خدا را فراهم می کند تقواست.

۴. **زَادَ:** یعنی توشه، **مَعَاذُ:** حفظ کننده، نگه دارنده، بندگان خدا من شما را به تقوای الهی دعوت می کنم که

تقوا زاد است.



قرآن می فرماید: تقوا زاد و پناهگاه است پناهگاهی که انسان را نجات می دهد

برای با تقوا شدن چه باید کرد؟

۱ - خواندن خطبه همام و ایجاد صفا ذکر شده در خود

۲ - انسان باید تمرین تقوا کند.

### ذکر یک داستان

زمانی که امام علی علیه السلام از جنگ صفین برمی گشتند در مسیر برگشت به قبرستانی رسیدند که مولا علی علیه السلام شروع به صحبت کردن با اهل قبور نمودند و فرمودند: می خواهید به شما خبر دهم بعد از شما چه اتفاقاتی افتاد؟ در منزل های شما دیگران نشستند، همسران شما ازدواج کردند، دارایی شما را تقسیم کردند این خبری است که پیش ما است نزد شما چه خبر است؟ پس حضرت رو به اصحاب کرد و فرمودند اگر اجازه داشتند که صحبت می کردند فقط یک جمله می گفتند زاد و توشه بگیرید چه توشه ای بهترین است؟ **تقوا**

امام سجاد علیه السلام: عملی که همراه تقوا باشد کم نیست چطور کم است آنچه خدا قبول می کند اگر انسان دو رکعت نماز همراه تقوا داشته باشد این دو رکعت مورد قبول خداست وقتی خدا قبول کرد نتیجه اش بهشت است مراتب کمال:

۱. اسلام (که خود مراتبی دارد)

۲. ایمان که تا ده مرتبه در روایات شمرده شده.

۳. تقوا

۴. یقین

یقین یک مرتبه بالاتر از تقواست تقوا در این جا بیشتر از جنس باور است اما تقوای مورد بحث از جنس قلبی است.

تقوا از لوازم راه است با هدف تربیت انسان، و وسیله و ابزاری است برای اخلاق. تقوا هم راه است و هم مرکب و هم

زاد است و تقوا در حقیقت توشه وهدف متوسط است و هم یک اصل که باید در تمام راه زندگی رعایت شود.

تقوا ملکه ای است که انسان را از گناه حفظ می کند. قرآن راه را در مقابل انسان روشن می کند. کسی که تقوا داشته باشد هرگز به بن بست نمی رسد. و چه روزی های معنوی وسیعی که به واسطه تقوا به انسان می رسد. روزی معنای وسیعی دارد مثل عدم گناه، علم و عبادت و....

تقوا به عمل خاصیت می بخشد و باعث قبولی اعمال می شود بدون تقوا عمل زیاد هم کم و بی ارزش است با تقوا عمل کم، زیاد است و بدون تقوا عمل زیاد هم خیلی کم است چون هرچه خداوند قبول کند، کم نیست عمل با تقوا را خدا قبول می کند زیرا خود خداوند فرمودند: فقط و فقط عمل را از متقین قبول می کند چرا که این عمل آفت ندارد و سالم است.

اگر فقط دو رکعت نماز ما قبول شود ما صد در صد بهشتی هستیم. این عمل کم نیست چرا که با تقواست و این عمل را خدا قبول می کند و اجر آن را بهشت می دهد. عمل با تقوا مورد قبول است ولی اگر تقوا نباشد عمل پذیرفته نیست حتی ذره ای عمل عبادی بدون تقوا ارزش ندارد. ای بندگان خدا تقوا داشته باشید چرا که بهترین توشه در مسیر الهی تقواست و بدون تقوا رسیدن به قرب الهی غیر ممکن است. کسی که عبادت کند و اصلاً گناه انجام ندهد تقوا دارد.

مفضل بن عمر گوید خدمت امام بودم و بحث اعمال شد نماز شب، روزه، قرآن و دیگر عبادات من گفتم اعمال من کم و ضعیف است امام فرمود آرام باش و از خدا طلب بخشش کن عمل کمی که داشته باشی اما همراه تقوا باشد بهتر از عمل زیاد بدون تقواست. مفضل گوید پرسیدم چطور ممکن است امام توضیح دادند انسانی را در نظر بگیر که به مردم اطعام می کند و با دیگران خوش رفتار است و کارهای نیک زیاد انجام می دهد و همین شخص هنگامی که شرایط گناه برایش فراهم می شود به انجام گناه آلوده می شود این فرد عمل زیاد دارد ولی تقوا ندارد ولی شخص دیگری هست عمل نیک کمی انجام داده ولی اگر شرایط گناه برایش فراهم شود به گناه آلوده نمی شود و این فرد با تقواست.

اموری که گناه صغیره را تبدیل به کبیره می کند:

۱- انجام گناه صغیره عالمانه و از روی آگاهی

۲- اصرار بر انجام گناه صغیره

۳- آشکارا انجام دادن گناه

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

خداوند هیچ بنده ای را از ذلت و خواری گناه به بزرگی و عزت تقوا منتقل نکرد، مگر این که ؛

۱. او را بی نیاز کرد بدون اینکه مال و سرمایه ای به او داده باشد.

۲. او را آبرومند کرد بدون اینکه عشیره و خانواده ای داشته باشد.

۳. آرامش و صفای درون به او داد بدون اینکه بخواهد انیسی داشته باشد.

همه کارها در دست خداست ، خداست که به انسان توفیق طاعت و تقوا می دهد گناه خواری و خفت است و

شخصیت انسان را لگد مال می کند حضرت علی(علیه السلام) میفرماید: کسی که نفس عزیز و شریفی دارد، آن را با پلیدی گناه، خوار نمی سازد.

خواست خدا حکیمانه است (( من یشاء)) حکمت خداست خواست خدا منطبق و عدالت دارد مشیت خدا با عدالت او

منافات ندارد آنچه دلخواه انسان است با حکمت و عدالت خدا منافات دارد زیرا دلخواه ما منطبق ندارد بلکه بی

منطق است از روی حکمت نیست ولی خواست خدا حکیمانه است؛ من یشا منطبق بر حکمت است.

کسی که خداوند می خواهد او را عزیز کند پس حتما لایق عزیز شدن است واگر این گونه نباشد با عدالت خدا

منافات دارد؛ چون کسی که زحمت نکشیده و لیاقت عزیز شدن ندارد را خداوند بی دلیل عزیز نمی گرداند چرا که

او هر که را بخواهد عزیز می کند و هر که را بخواهد خوار و ذلیل می گرداند، گناه ذلت و تقوا عزت است.

**تقوا سه اثر دارد:**

۱. انسان را غنی و بی نیاز می کند، بدون داشتن مال و ثروت روح انسان را بی نیاز می کند.

۲. انسان را عزیز می کند بدون این که بخواهد قومی یا فامیلی داشته باشد.

۳. انسان را انیس می دهد بدون این که بخواهد مونس داشته باشد.

امام می فرمایند:

اگر قرآن با من باشد و در شرق و غرب عالم یک نفر نباشد من نمی ترسم چون انس با قرآن من را بی نیاز خواهد کرد.

علی(ع) : همه زهد در این دو کلمه خلاصه شده است اگر چیزی به دست آوردید سرمست و مغرور نشوید و اگر از

دستتان رفت اندوهگین و یا ناراحت نشوید.

امام کاظم علیہ السلام می فرمایند:

**علم سه وجب است:**

۱. رسیدن به وجب اول: چون هنوز علم کم است؛ فرد مغرور می شود

۲. رسیدن به وجب دوم: متواضع می شود: درخت هر چه پر بار تر باشد سرش خم تر است

۳. رسیدن به وجب سوم: به جایی می رسد که می فهمد هیچ چیز نمی داند

ابوعلی سینابه جایی رسید که می گفت: " تا بدانجا رسید دانش من که بدانم همین که نادانم "

اگر کسی زهد نسبت به دنیا پیدا کرد خداوند حکمت را در قلبش تثبیت می کند اگر زبانش به حکمت باز شد

سخن حکیمانه می گوید و خداوند نسبت به عیب و ایرادهای دنیا او را بینا می کند. خداوند انسان زاهد را در حالی

از دنیا می برد که سالم است اگر انسان از دنیا سالم بیرون رفت در بقیه عوالم هم سالم خواهد ماند.

امام صادق از قول پیامبر می فرمایند: بیشترین چیزی که امت من را جهنمی می کند شکم و دامن است.

پیامبر اکرم می فرمایند: هر کس دو چیز را برای من ضمانت کند بهشت را برایش ضمانت می کنم کسی که زبان و

دامنش را حفظ کند.

هر کس از خدا بترسد خداوند همه چیز را از او می ترساند، این که انسان از هیچ چیز نمی ترسد به خاطر نماز و

تقواست و خداوند کاری می کند که همه چیز از او بترسد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

علی همیشه کنار مردم بود، بامردم بود، با آنها غذا می خورد، با آنان شوخی می کرد ولی یک هیبت داشت که ترس

و خوفی را در دل مردم می نشاند که بخاطر تقوای علی بود، هرکس از خدا بترسد، خدا هم کاری می کند که همه

از او بترسند.

امام باقر علیه السلام مشغول کار بودند. صوفی نزد او آمد و به ایشان گفت: اگر اکنون مرگ تو فرا برسد در برابر خدا چه

می کنی؟

امام باقر علیه السلام فرمودند: اگر مرگم برسد اکنون بهترین حالت را دارم کار حلال بهترین کار و نزدیک ترین حالت به

خداست.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

اگر انسان زهد داشته باشد خداوند او را بصیر می گرداند و طوری از دنیا می رود که سالم است و به سلامت از صراط گذشته و وارد بهشت می شود.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

عبادت برای خداوند برتر از عفت شکم و دامن نیست. کسی که شکم و دامن را به گناه آلوده نکند.

امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

پیامبر اکرم می فرمایند: اگر کسی زمینه ی گناه برای او فراهم شود و از ترس خدا آن را ترک کند خداوند آتش را

بر او حرام می کند و خداوند ترس بزرگی را که در قیامت بر همه ی انسانها وارد می شود را از او می گیرد و او را

وارد بهشت می کند ولی اگر به حرام افتاد خداوند بهشت را بر او حرام می کند و او را وارد جهنم می کند

شیعه امام صادق علیه السلام پنج خصلت دارد:

۱. عفت شکم و دامن دارد

۲. پر تلاش است و کار می کند: شدت جهاد

۳. عمل برای رضای خدا چون برای خدا کار می کند

۴. امیدوار ثواب خدا است

۵. از خدا می ترسد

در پایان باید گفت تقوا مرکبی آرام و رام است که افسارش دست صاحبش است و انسان را به مقصد می رساند. ولی گناه مرکبی است که صاحبش را در آتش پرت می کند و افسار گریخته است.

## فصل ششم

### روزی

اگر روزی رسان خداست پس فقر چرا؟

روزی بردو نوع است:

۱. روزی که تو به دنبالش هستی

۲. روزی که او به دنبال توست

نظام ما دنیای علت و معلول است اگر علت آمد معلول هم به دنبالش خواهد آمد خدا روزی آنکس را که هم از شدت فقر، مرده را فرستاده ولی دیگری علت شده و آن را گرفته پس مطلب نوعی دیگر تفسیر می شود.

انسان ها اختیار دارند، غذایی را که خداوند روزیشان کرده بخورند و اصل بر این قرار است که هر کس روزی خود را بخورد و اگر کسی روزی دیگری را از چنگش در بیاورد ظلم کرده و قوانین طبیعت را برهم زده است و خداوند هرگز این اجازه را نمی دهد که کسی روزی دیگری را بخورد خداوند می فرماید: از ترس اینکه خداوند روزی شما را نفرستد، فرزندان خود را نکشید و بدانید روزی هیچ کس را هیچ کس نمی تواند بخورد پس روزی را از چنگ هم در نیاورید. خداوند روزی همه بندگان را داده است ولی عده ای آن را از حلقوم گرسنگان در می آورند مانند ظلمی که به مردم بی گناه فلسطین می شود.

خداوند برای همه ی مخلوقاتش روزی می فرستد حتی انسان غیرمومن، البته به شرطی که توبه و عبادت کند روزی او فراخ می شود.

### روزی خوب داشتن در گرو:

۱. توجه به آخرت

۲. دل کندن از دنیا و دل به دنیا نبستن

و مهم ترین روزی این است که انسان قبل از مرگ، خود را آماده رفتن کند.

روزی در روایات معنای وسیعی دارد که شامل عبادات، سلامت، پرهیز از گناه، غذا، بهداشت دل نبستن به دنیا و .... می شود.

اجل انسان روزی است؛ اگر بنا باشد عمری برای انسان باشد قطعا او زنده می ماند و اگر روزی او نباشد، اجل وی فرا خواهد رسید.

### انسان شناسی = خود شناسی

شناخت انسان مراتبی دارد؛ شناخت بعد جسمانی یا مادی انسان و بعد روحانی، که البته بعد مادی انسان ما را به انسان شناسی می رهنمون می کند مانند آشنایی با آناتومی و فیزیولوژی؛ این که انسان در بدن خود چند عضله و

استخوان دارد ما را با بدن انسان آشنا می کند و سبب انسان شناسی می شود و هرکس خود را بشناسد، خدا را می شناسد.

از همه بالاتر شناخت ظرفیت ها و پیچیدگی های وجودانسان است. روح انسان عالم بزرگی است و هر چه انسان با نفس و روح خودش بیشتر آشنا شود مراتب کمال و شناخت خدا را بهتری شناسد .

امام علی(ع): می فرماید: تو خیال می کنی موجود کوچکی هستی ولی عالم بزرگی در وجود تو نهان است.

### مراحل خدانشناسی به وسیله خود شناسی

#### ۱- خودشناسی (شناخت آناتومی)

#### ۲- شناخت نفس و روح

#### ۳- شناخت مسیر خودش و سایر موجودات

در مرحله سه فصل خودش با غیر موجودات را شناخته فطرت عقل و شاخه های فطرت دل و شاخه های آن در این مرحله بررسی می شود خواهیم یافت که حتی فرشته ها هم توانمندی انسان در این مرحله را نخواهند داشت. مثلا محبت ورزیدن خاص انسان است در این حوزه محبت به اندازه همه عالم بزرگ است. خداوند می فرماید: عالم را بر اساس محبت خلق کردم و همه دین محبت است.

#### بهترین راه خدا شناسی:

۱. حصولی مطالعه در زمینه فیزیولوژی، روانشناسی، زیست شناسی و طب و... انسان

۲. مطالعه انفسی، سیروسلوک، تهذیب نفس و نماز شب و...

نماز شب این قدرت را می دهد که انسان خودش را بشناسد.

#### آیا خداوند دائم در حال خلقت است:

کل نظام هستی لحظه به لحظه در حال خلق شدن است. چون هویت انسان ها چیزی جز ارتباط با خدا نیست و اگر این ارتباط یک لحظه قطع شود دیگر چیزی از جهان باقی نمی ماند. کل نظام هستی به اراده ی خداوند خلق شده و اگر یک لحظه خداوند اراده کند کل نظام هستی ازهم می پاشد.

عالم زر، عالم فطرت است. آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ سوره اعراف در ارتباط با عالم زر است.

عالم زر مقدم بر همه ی عالم است که در آن عالم همه ی مخلوقات، خداوند متعال را با چشم دل دیدند و وقتی خداوند خودش را به بنده ها نشان داد؛ ((الست بربکم قالوا بلی)) تو پروردگار ما هستی و ما ربوبیت تو را قبول داریم ولی وقتی انسان ها در این دنیا آمدند فراموش کردند چه پیمانی با خداوند بسته اند. همه چیز با نظر لطف خداست حتی صبر کردن هم از خداوند است، که در هنگام بلا روزی ما می شود وقتی مصیبتی می آید اگر خدا کمک نکند، آن مصیبت مارا از پا در می آورد. اگر انسان این صبر را هم از خدا بداند هیچ گاه مغرور نمی شود حتی این توفیق را که ما می توانیم دعا کنیم و خداوند را شکر بگوییم همه از خداوند است. امام سجاد در مناجات خمس عشر می فرمایند من چگونه شکر تو را به جا بیاورم وقتی می گویم الحمد لله

### ادبار و اقبال:

امام علی (ع) : نفس و دل انسان حالت های گوناگونی دارد. حتی در عبادت خدا؛ گاهی سرزنده و سر حال است و علاوه بر واجبات تمایل به انجام مستحبات نیز دارد و انجام می دهد ولی گاهی خسته است و ادبار دارد در این حالت انسان نباید به قلب خود فشار بیاورد و فقط باید به واجبات بسنده کند. هدف از خلقت انسان بر حسب دلایل عقلی و نقلی فراوان رسیدن او به مقام عبودیت و قرب الهی است و هیچ مخلوقی جز انسان توان رسیدن به مقام قرب الهی و مقام عبودیت را ندارد.

### حکمت عملی علم اخلاق:

#### ۱. بیداری از خواب غفلت:

اگر انسان از مقصد خود جا بماند برای همیشه نابود شده است و اگر انسان غفلت را از خودش دور نکند از حیوان پست تر است. انسان باید از خواب حیوانی بیدار شود مسافر نباید بخوابد، زیرا از سفر جا می ماند. به مقصد که رسید ثابت می شود نه ساکن؛ چرا که در سکون تکامل وجود ندارد ولی در ثبات تکامل هست و انسان در بهشت ثابت است.

#### ۲. توبه:

انسان اول باید ظرف خود را از آلودگی ها پاک کند؛ توبه انواع مختلف دارد و با توجه به مقام انسان ها متفاوت است.



## ۱. توبه انسان های عوام:

توبه از گناهان کبیره و اگر گناهان صغیره او اندک باشد، خداوند او را می بخشد

## ۲. توبه خواص:

توبه از گناهان صغیره و کبیره

## ۳. توبه خاص خواص:

توبه از گناهان کبیره و صغیره و مکروهات

## ۴. اخص الخواص:

توبه از همه آنچه که گفته شد و عدم انجام مستحبات و اینکه هرگز از یاد خدا غافل نشود.

برحسب مقام ها توبه هم متفاوت است پیامبر با اینکه هیچ گناهی نداشت در هر مجلس که حضور می یافتند ۲۵ بار استغفار می نمودند و روزی صد بار توبه می کردند.

## ۳. تقوا:

زاد و توشه و از لوازم سفر است و مرکبی است برای رساندن انسان به بهشت و چراغی برای هدایت انسان است برای حرکت به سوی خدا.

از عوامل دیگر؛ خوش خلقی است که خوش خلقی انسان را بهشتی می کند و بیشتر اهل بهشت بخاطر خوش خلق وارد بهشت شدند. روایت داریم که کافر خوش اخلاق نزد خدا محبوب تر از مومن بد اخلاق است. پیامبر اکرم می فرمایند: مومن باید حسن خلق داشته باشد و نیز می فرمایند: بترسید از آتش جهنم که بد اخلاق ناگزیر در آتش جهنم است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: تابعی نیست که توبه ی او پذیرفته شود مگر بد اخلاق، که بد اخلاق از یک گناه توبه می کند و به یک گناه دیگر و بزرگتر دچار می شود.

خوش اخلاقی از عواملی است که همیشه همراه انسان است: در قبر، در برزخ و در قیامت و سرانجام سبب بهشتی شدن انسان می شود.

مجازات خدا در مورد بد اخلاقی نسبت به پدر و مادر صد برابر می شود و مجازات آن جهنم است.

یکی از همراهان راه انسان خوش اخلاقی است و بهترین زمان برای این که انسان بخواهد روی شخصیت خود کار کند در دوران جوانی است، درختی که کج شد راست نمی شود مگر با شکستن آن.

### **خوف و رجا:**

یکی از حالت هایی که انسان باید بدست بیاورد خوف و رجا است و اگر انسان به این حالت نرسد به مقصد نمی رسد و این حالت باید در حد تعادل باشد:

**اگر حالت خوف غالب باشد:** انسان دچار یأس می شود و از پا در می آید.

**اگر حالت رجا غالب باشد:** انسان دچار تجلی، جرئت و بی باکی می شود و گناه او را از پا در می آورد.

اگر نور خوف و رجا وزن شود نور خوف ذره ای از نور رجا بیشتر نیست.

کسی که گناه کند به امید بخشیده شدن، آن گناه بخشیده نمی شود.

**هیچ بنده مومنی نیست مگر این که در قلبش دو نور است؛**

۱. نور خوف از خدا

۲. نور رجا و امید به خدا

امام صادق (ع): می فرمایند در بین صحبت های لقمان به پسرش همگی عجیب بود ولی این نکته از همه عجیب تر که به پسرش گفت: انسان اگر تمام خوبی های جن و انس را داشته باشد باز باید از خدا و از عذاب خدا بترسد و اگر تمام گناهان جن و انس را داشته باشد باز باید به رحمت خداوند امیدوار باشد.

عابدی که بخاطر عبادت مغرور شد احتمال جهنمی شدن او زیاد است ولی گناه کاری که از گناه خود پشیمان است و در برابر خدا توبه کند و خود را در برابر خدا خار و ذلیل ببیند چه بسا بهشتی شود.

اهل بیت علیه السلام از خدا می ترسیدند و حضرت علی علیه السلام روزی چند بار از شدت خوف از خدا از هوش می رفتند. چون می دانستند نسبت به خدا خیلی کوتاهی کرده اند ولی ما این را نمی دانیم.

**حجاب های باز دارنده ما از مقصد:**

**حجاب نوری:** مانند علم؛ در صورتی که فرد بواسطه علم خود مغرور شود.

**حجاب ظلمانی:** مانند گناه، ظلم، بد اخلاقی

امام صادق(ع): بعضی ها هستند گناه می کنند و می گویند ما امید به رحمت خدا داریم و با همین حالت گناه می میرند اینها کسانی هستند که آرزوهایشان را علم کردند اینها دروغ می گویند که ما به خدا امید داریم اینها به خدا امید ندارند که اگر کسی به چیزی امید داشت به دنبالش می رود اگر کسی واقعا رحمت خدا را می خواهد پس باید به سمت آن رحمت حرکت کند پس خدا آن را هم برایش فراهم می کند.

در دعای ابو حمزه ثمالی می خوانیم: از خدا تا جایی بترس که از رحمت وی ناامید نشوی.

عقل حجت خدا بر ماست و باید همه چیز را با عقل سنجید. جبرئیل به پیامبر اکرم فرمودند بین عقل و دین و حیا یکی را انتخاب کن و پیامبر عقل را انتخاب کردند و فرمودند: هر کدام به جز عقل محتاج دیگری است ولی اگر عقل باشد دین و حیا نیز با عقل می مانند.

عقل سبب رسیدن انسان به مقصد است و عقل همه جا هست به تعبیری دیگر عقل پیامبر درون است و حجت نهان. امام صادق(ع): عقل یعنی آن چیزی که به وسیله آن خدا را عبادت کرده و به سبب آن بهشی می شود. و در پایان باید گفت آخرین همراه برای رسیدن به مقصد عقل است.

یکی از دیدگاهها در زمینه علم اخلاق همان سیر و سلوک است مرحوم سید بحر العلوم ۲۵ گام را مطرح نموده اند .

مراحل سیر و سلوک:

۱ - همراهی با استاد اینکه تنسانم دست در دست داشته باشد و می داند انسان چه کمبودها و تمایلاتی

دارد و او انسان را می شناسد . قرآن می فرماید لقد کان فی رسول الله اسوه حسنه یا در سوره تحریم

دو زن (( مریم و آسیه )) را به عنوان اسوه بیان می کند

امام صادق(ع) می فرماید: مردم را تربیت کنید نه با سخن گفتن بلکه با عمل و رفتارشان

در روش الگویی مهمترین عامل الگوست.

استاد عام: به مقام های عرفانی و معنوی رسیده اند آقای قاضی ، همدانی ، آقای بهجت راه را رفته اند و

سپس به مقاماتی رسیده اند پس می توانند رهنمون بدهند البته لازم به ذکر است پیدا کردن چنین

استادی و اطمینان به چنین استادی مشکل است .

استاد خاص: همان اهل بیت علیه السلام و معصومین هستند. در بین استادها که خیلی مورد توجه است حتی در بین اهل بیت (ع) حضرت زهرا(س) است که نه تنها برای ما الگو و حجت است بلکه براهل بیت هم حجت است. تامل در زندگی حضرت زهرا هر حق جویی را به حقیقت خواهند رساند.

امام حسن عسگری(ع) می فرمایند: ما بر شما و حضرت زهرا بر ما حجت است.

### سیره اخلاقی حضرت زهرا(س)

نامش فاطمه است که از فطم گرفته شده به معنای باز گرفتن چون خودش و پیروانش را از آتش باز گرفتند یعنی آتش را از آنها دور می کنند(آنچنان که بچه را از شیر می گیرند)

صدیقه و زهرا القاب آن حضرت هستند و کنیه های وی ام ابیها ام ائمه نجباء، ام حسنو ام حسین

فاطمه چون کامش را به علم گرفتند علم در وجودش نهاده شده است نور حضرت زهرا (س) همه عالم را فرا گرفته و پر از خیر کرده است بنابراین او نه تنها الگوی ما بلکه الگوی همه خوبان است. اگر زهرا بشناسیم مقام لیلہ القدر را می شناختیم و درک می کردیم

شبکه آموزشی - پژوهشی مادیج  
با هدف بهبود پیشرفت علمی  
و دسترسی راحت به اطلاعات  
برای جامعه بزرگ علمی ایران  
ایجاد شده است



**madsg.com**  
**مادیج**

**IRan Education & Research NETwork**  
**(IRERNET)**

